

جنگ ایران و عراق و مواضع نیروهای چپ

سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

"ما از طرف دیگر از آنجا که قصد ضد انقلاب مغلوب، حکومت بعث و امپریالیسم امریکایی، اعاده‌ی شرایط مغلوب خود آنان، باز گرداندن ضدانقلاب مغلوب و... است، این جنگ بر علیه خلق ایران نیز هست."

(تاکیداز ماست - رزمندگان ۲۱)

عبارت دیگر و بزرگ "رزمندگان" چون امپریالیسم امریکایی قصد ساقط کردن رژیم کنونی و "اعاده‌ی شرایط مغلوب" (بازگرداندن ضد انقلاب مغلوب) را دارد، پس نتیجه میگیرند که "این جنگ علیه خلق ایران نیز هست!!" رزمندگان بدین ترتیب با منطق منسوخ "دشمن دشمن من دوست من است" و با فرض اثبات نشده‌ی "کوشش امپریالیسم برای سقوط رژیم جمهوری اسلامی" باین نتیجه میرسند که پس دفاع از رژیم جمهوری اسلامی وظیفه‌ی ماست! و بدین ترتیب در واقع ناخواسته بجای ارشاد توده به گمراه شدن آنان و فریب هر چه بیشترشان از جانب رژیم کمک میکنند. ما سؤال میکنیم: مگر رژیم حاکم ایران نماینده‌ی خلق ایران است و یا منافع خلق ایران از طریق این رژیم اعاده میشود که شما جنگ ایران و عراق را بر "علیه خلق ایران" ارزیابی میکنید؟ آیا تحلیل شما درباره‌ی ماهیت ضد خلقی رژیم ایران تغییر کرده است و آنرا بوضوح اعلام میکنید؟ آیا این جنگ صرف نظر از اینکه کدام نیرو آغاز به جنگ کرد، یک جنگ ماهیتاً ارتجاعی بین دو رژیم ارتجاعی نیست؟ آیا مثلاً اگر رژیم جمهوری اسلامی در جنگ به پیروزی برسد، به بالاترین نوع اختناق علیه خلق ایران دست نخواهد یازید؟ رفقا شما باین تضادگویی به اعتلای حیثیت چپ در میان توده‌ها کمک نمیکنید. شما با این موضع حیثیت چپ را خدشه‌دار میسازید و توده را بیشتر سردرگم میکنید. این جنگ جنگی است ارتجاعی، بضع امپریالیسم و منافع سرمایه‌داری جهان و طبیعتاً به زیان خلقهای ایران و عراق و خلقهای منطقه. این جنگ بهمان اندازه که زحمتکشان ایران را تحت فشار قرار خواهد داد، بهمان نسبت نیز زحمتکشان عراقی را مورد شدیدترین فشارهای اقتصادی - سیاسی قرار خواهد داد. این فقط مردم محروم ایران نیستند که آماج حمله‌ی توپخانه و موشکهای عراقی قرار دارند.

یکی از خصوصیات "بحران" این است که نقاط ضعفی که در دوران شبیث کمتر پیدا هستند، مجال ظهور می یابند. در این رابطه تزلزلها، ایرادات و ابهاماتی که در مواضع اخیر "رزمندگان آزادی طبقه کارگر" پیدا شده است هم از جهت نشان دادن این حکم کلی قابل توجه است و هم از نظر آموزش خود رفقای "رزمندگان". این رفقا باید ببینند که چه اشکالات بینشی و ایدئولوژیک در کارشان وجود داشته که علی‌رغم آنکه در دوران غیر بحرانسی ارزیابی درستی از ماهیت رژیم ایران ارائه میدادند بجز درگیری جنگ به اظهاراتی دست زدند که بسهولت بوی "سوسیال شوونیسم" آن قابل استشمام است.

"رزمندگان" در تحلیل از هدفهای جنگ معتقدند که برنامه‌ی امپریالیسم امریکایی ساقط کردن جمهوری اسلامی است و راه رسیدن باین هدف درگیر کردن عراق به تجاوز نظامی علیه ایران میباشد. تز "رزمندگان" بطور خلاصه چنین است:

"از چند ماه پیش بدینسو که امید و انتظارات امپریالیسم، ارتجاع منطقه‌ی خاورمیانه و ضد انقلاب مغلوب مبنی بر روی کار آوردن، یا تبدیل حکومت فعلی بیک رژیم وابسته و "طرفدار غرب" به تحقق نپوست، تلاشهای این مجموعه‌ی ارتجاعی یعنی امپریالیسم امریکایی، نیروهای ارتجاعی خلیج فارس و خاورمیانه و ضدانقلاب مغلوب برای حاکم ساختن حکومتی مطلوب و موافق طبع آنان شکل جدید و ابعاد وسیعتری بخود گرفت."

(تاکید از ماست) (بیانیه‌ی شماره‌ی ۲)

"هدف بلاواسطه‌ی جنگ در واقع ساقط کردن جمهوری اسلامی میباشد."

(رزمندگان ۲۱)

رزمندگان ادامه میدهد که:

مردم محروم و فقیر عراق نیز اگر نه بیشتر لااقل بایستند قبول کنیم که بهمان درجه زیر بمبارانهای هوایی وتوپخانه‌ای ارتش ایران به هلاکت میرسند و هستی خود را از دست میدهند رفقای رزمندگان مسالهی خلقی و مردمی بودن جنگ را تا بدان حد ارتقاء میدهند که معتقد میشوند که مسالهی جنگ با عراق مسالهی دفاع از استقلال و استقلال طلبی و دفاع از انقلاب است.

"امپریالیستها و نیروهای ارتجاعی، نارضایتی و مخالفت توده‌ها و ارتشیان را با حکومت جمهوری اسلامی میدیدند، ولی آنها در دیدن چیز دیگری کور بودند و آن روحیه استقلال و انقلابی توده‌ها و ارتشیان جزء بر علیه امپریالیسم و تجاوزکاران به ایران بود... آنها هرگز پیش بینی نمیکردند که توده‌های زحمتکش ایران با چنگ و دندان و با قدرتی عظیم بدفاع از استقلال و انقلاب خود خواهند پرداخت... بنا بر آنچه گفته شد خلق ایران حق دارد که در مقابل تجاوز عراق که هدفی جز سرکوب انقلاب، پایمال کردن دست‌آوردهای آن و روی کار آوردن حکومتی وابسته به امپریالیسم رانعقیب نمی نماید، بپاخیزد و نیروهای کمونیست و انقلابی موظفند که با صف مستقل خویش در این مبارزه شرکت جسته و آنرا هدایت و سازماندهی نمایند."

(بیانیه شماره ۲ رزمندگان) (تاکید از ماست)

باین ترتیب رفا بر آن هستند که "استقلال و انقلاب" بخاطر حملهی رژیم عراق به مخاطره افتاده و بنا بر این همهی توده‌ها و زحمتکشان و انقلابیون از جمله کمونیستها باید از "استقلال و انقلاب" بهر طریق هم که شده حتی با "چنگ و دندان" دفاع کنند. آیا "رزمندگان" واقعا معتقدند که جنگ ایران و عراق یک جنگ استقلال طلبانه از سوی ایران است که توده‌ها را بدین امر فرا میخوانند؟ اگر اینطور است پس از اینکه موضع شما را در این ارتباط "سوسیال شوونیستی" ارزیابی نموده و تاز شما را تاز جنگ "میهنی" تلقی کنیم بما خرده مگیرید. از این گذشته منظور شما از اینکه مسالهی جنگ را دفاع از انقلاب میدانید چیست؟ مگر در ایران یک رژیم انقلابی حاکمیت دارد که به مخاطره افتادن آن از جانب شما مترادف با به مخاطره افتادن انقلاب ارزیابی میشود. آیا واقعا جنگ با عراق، دفاع از انقلاب است. کدام انقلاب؟ انقلابی که دست‌آوردهای آن از همان اولین روز پیروزی قیام توسط همین رژیم ضدانقلابی جمهوری اسلامی لگدکوب شد. آیا همین رژیم جمهوری اسلامی بیش از هر نیروی دیگری شمشیر انقلاب سیاسی بهمن ماه را بر باد نداد و مبارزین و مدافعین سرسخت آنرا قلع و قمع نکرد؟ آیا تحلیل گذشتهی شما دربارهی "ضدانقلابی بودن رژیم جمهوری اسلامی نیز تغییر کرده است که اکنون تحت عنوان "دفاع از انقلاب" کمک به تثبیت آنرا وظیفهی ضد امپریالیستی قلمداد میکنید؟ اگر این نیست پس شرکت در جنگ نمیتواند بمعنای دفاع از انقلاب باشد چون از مدتها قبل، انقلاب بهمن ماه به شدیدترین

وجهی از جانب همین رژیم شد انقلابی و ضد خلقی مورد یورش قرار گرفته و دست‌آوردهای آن زیر پا گذارده شده است. ما با شما موافقیم که:

"نیروهای کمونیست و انقلابی موظفند که با حفظ صف مستقل خویش در این مبارزه (به تعبیر ما دفاع از منافع توده‌ها و در این ارتباط مقابله با تجاوز رژیم فاشیستی عراق) شرکت جسته و آنرا هدایت و سازماندهی نمایند."

(بیانیه شماره ۲)

و این امر را قبلا اعلام داشته‌ایم، ولیکن معتقد نیستیم که جنگ تدافعی علیه تهاجم ارتش عراق، بمنزلهی دفاع از "انقلاب" و "دستاوردهای" آن است. بنظر ما شرکت در این جنگ صرفا بخاطر دفاع از مردمی است که لگدکوب ارتشهای ارتجاعی شده‌اند، ارتشهایی که بخاطر حفظ رژیمهای ارتجاعی بسیج شده‌اند و نه بخاطر دفاع از میهن. در این صورت حتی اگر این حکم صحت داشته باشد که رژیم جمهوری اسلامی مطلوب و مورد علاقهی امپریالیسم نیست و امپریالیسم امریکا خواهان تبدیل آن به رژیم باثبات تر و از لحاظ سیاسی کاملاً وابسته بخود است، مع ذلک این نتیجه‌گیری که مقابله با عراق از طرف انقلابیون ایران با دید و منظور جلوگیری از سقوط رژیم کنونی و ابقاء آن در مقابل حاکمیت رژیم مورد نظر امپریالیسم است بسیار نادرست است. ما متعجبیم از اینکه شما به رهبران ارتش خرده مگیرید و از "بی کفایتی فرماندهان ارتش ویی اعتقادی آنان به پیروزی در این جنگ تجاوزکارانه" (اخبار جنگ ۲) شکوه سرمیدید. از شما رفا باید پرسید کدام پیروزی؟ و پیروزی چه نیرویی؟ برای ارتش ایران و رژیم ایران "پیروزی" حداکثر بمعنای بیرون راندن نیروهای ارتش عراق و تحکیم حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی و سرکوب بیشتر خلقهای ایران است و حال آنکه برای مردم ایران پیروزی نه تنها بمعنای بیرون راندن ارتش عراق بلکه افساء ماهیت ارتجعی هر دو رژیم، ادامه مبارزه علیه امپریالیسم و ایجاد همبستگی انقلابی بین مردم ایران و عراق است. پس شکوهی شما از بی کفایتی ارتش و بی اعتقادی به "پیروزی" به چه معنی است. آیا خدای ناکرده شما نیز این جنگ را کلا جنگ عراق و ایران میبینید و نه جنگ رژیمهای ارتجاعی این دو کشور؟ آیا شما نیز نقطهی اشتراکی در اهداف ارتش و انقلابیون میبینید؟!

اما ایکاش رزمندگان درهمین حدبسته میکردند و رژیم ایران را عملاً تا سرحد یک رژیم ضد امپریالیست بالانمیبردند در ارتباط با ایجاد بین المللی جنگ ایران و عراق و پشتوانهی خارجی رژیم جمهوری اسلامی رزمندگان مینویسد:

"کوشش جمهوری اسلامی برای مبارزه با امپریالیسم بموازات ضدیت با کمونیسم و جنبشهای کمونیستی بتدریج کار را به آنجا کشانده است که هیچ گروه و سازمان و دولت انقلابی نتوانسته است مدافع این سیاست باشد... حمایت اصلی جمهوری اسلامی، از سازمانهای مذهبی و واپس‌گرای اسلامی

بوده و کمتر شامل حال سازمانهای مرفقی و انقلابی
شده است. (بیک رزمندگان ۳۱- تجاوز عراق)
(تاکید از ماست)

ما سؤال میکنیم، اولاً کدام یک از اعمال جمهوری اسلامی
جز در حرف "مبارزه با امپریالیسم" بوده و کدام "کوشش"
را بطور واقعی در جهت این مهم تاکنون انجام داده است که
رفقای "رزمندگان" رژیم حاکم را بعد یک نیروی پیکارگر
ضد امپریالیست ارتقاء میدهند. آیا همطراز کردن عوامفر-
بیها و حیللهای رژیم با "کوشش برای مبارزه با امپریالیسم"
بشدت گمراه کننده و انحرافی نیست؟ بعلاوه کدام سازمان
مرفقی و انقلابی است که بطور واقعی مورد حمایت رژیم حاکم
قرار گرفته است؟ حتی در مورد جنبش فلسطین که محسور
عوامفریبیهای تبلیغاتی رژیم قرار دارد، اکنون بخوبی
روشن است که نه تنها تاکنون هیچ کمک جدی (عملی و سیاسی)
از جانب رژیم ایران به جنبش انقلابی فلسطین صورت نگرفته
است، بلکه بر عکس رژیم حاکم با بلند کردن دروغبسن
پرچم فلسطین در واقع صرفاً برای خود آبرو و اعتبار کسب
کرده است. حمایت واقعی رژیم اسلامی از جنبش ارتجاعی
امل بوده است و نه جنبش فلسطین!

در خاتمه باید بگوئیم که علیرغم گرایشهای سوسیال
شوونیستی در موضع رزمندگان نسبت به جنگ ایران و عراق
و علیرغم ابهامات موجود در برخورد آنها به رژیم حاکم
ایران ما با این کلام آخر رزمندگان موافقیم:

"شرکت مستقل توده‌ها و نیروی انقلابی در جنگ نباید
افشای بیدریغ و محکوم نمودن تمايلات شوونیستی
و بیان اسلامیتی رژیم حاکم را مبنی بر ادامه و
گسترش نامحدود جنگ از نظر دور بدارد."

(رزمندگان ۳۲)

و اضافه میکنیم که منظور ما از شرکت در جنگ دفاع از منافع توده
ها و در این ارتباط مقابله با تجاوز ارتش فاشیستی عراق درکنه
افشای بی‌امان ماهیت ارتجاعی جنگ و ماهیت رژیمهای ضدخلقی
درگیر در آن است.